برگزاری کارگاه‌های تخصصی جشنواره فیلم مقاومت

در «جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت» کارگاه‌هایب تخصصی باهدف انتقال تجربه، ارتقای دانش سینمایی و ایجاد فرصت تعامل میان علاقه‌مندان، هنرجویان و فعالان حرفه‌ای سینما پیش‌بینی شده است. این کارگاه‌ها طیف متنوعی از موضوعات تخصصی سینما ازجمله کارگردانی، تصویربرداری، موسیقی فیلم، مستندسازی، انیمیشن، فیلمنامه‌نویسی، طراحی پوستر، حضور در جشنواره‌های بین‌المللی و کاربرد هوش مصنوعی در تولید آثار سینمایی را در بر می‌گیرند. مسعود فراستی، علیرضا زرین‌دست، کمال تبریزی، امید معلم، جواد عابدین، محمدبرادران، هادی مقدم‌دوست، دانش اقباشاوی، مسعود سخاوت‌دوست، محمدرضا مصباح، ابراهیم امینی، محیا دهقانی، محمد سرشار، محمد تقی‌پور، فاطمه سیاره، محسن اسلام‌زاده، فرزاد موتمن و مهدی بدوی اساتید این ۱۸ کارگاه هستند که از جمعه هشتم تا سیزدهم آبان ۱۴۰۵ در بازه زمانی ساعت ۱۴ تا ۱۹:۳۰ در پردیس سینمایی ملت (خانه جشنواره) برگزار می‌شود. نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت از هفتم تا چهاردهم آبان به دبیری جلال غفاری در پردیس سینمایی ملت برپا خواهد بود.



نغمه‌های اقوام روایت زنده فرهنگ ایرانی

دبیر هجدهمین جشنواره موسیقی نواحی: باید موسیقی محلی را مثل صنایع دستی به بطن گردشگری ببریم و این شدنی است



آزاده صالحی
گروه فرهنگ و هنر

«جشنواره موسیقی نواحی» امسال در حالی هجدهمین دوره خود را پشت سر خواهد گذاشت که کرمان، میزبانی این رویداد گسترده را از ۲۴ تا ۲۹ آبان‌ماه به عهده خواهد داشت. به باور برگزارکنندگان، موسیقی نواحی، صدای تنوع فرهنگی ایران و زبان گفت‌وگوی امروز ما با جهان است و برپایی این جشنواره در کرمان می‌تواند آن را به یک پایگاه ملی برای موسیقی نواحی به‌شمار رود. از سوی دیگر، پیروز ارجمند، دبیر این دوره از جشنواره معتقد است که با نگاه نو به موسیقی نواحی می‌توان آن را عاملی برای جذب گردشگر دانست و از ظرفیت‌های بالقوه این دو حیطه بهره برد. به بهانه برگزاری این جشنواره با او دراین‌باره بیشتر به گفت‌وگو نشسته‌ایم.



از آنجاکه در دوره مدیریتی شما در حوزه موسیقی وقفه‌ای ایجاد شد و در این فاصله به پژوهش پرداختید، فاصله‌گرفتن شما به‌عنوان یک مدیر و دبیر از این حیطه احتمالا باعث شده تا از منظر پژوهش به آسیب‌شناسی جشنواره‌های موسیقی به خصوص موسیقی نواحی بپردازید و به این مسأله توجه کنید که چه تغییراتی لازم است در ساختار این جشنواره‌ها صورت بگیرد؟

واقعیت این است که جشنواره‌هایی چون موسیقی فجر، جوانان و نواحی متعلق به دولت هستند، درحالی‌که معتقدم اگر می‌خواهیم موفقیت اینها تضمین‌شده باشد، لازم است تا رویکردشان به دست بخش خصوصی سپرده شود. پس در درجه اول این جشنواره‌ها باید دولت‌زدایی شده و در قدم بعدی، با برون‌سپاری به گروه‌های تخصصی به انجام برسند. نکته دیگر، به‌ویژه در حوزه جشنواره موسیقی نواحی، به‌رسمیت‌شناختن گفتمان‌های جدید است. به این معنا که ضمن حفظ هویت و اصالت موسیقی نواحی، بپذیریم که نسل جوان نیز به این نوع موسیقی گرایش دارد؛ البته نه لزوما به شیوه هنرمندان پیشکسوت، بلکه با رویکردی نو و تلفیق سازهای موسیقی نواحی با سازهای دیگر. بنابراین، افزودن بخش نگاه نو به جشنواره، یکی دیگر از طرح‌هایی بود که بعد از عهده‌دار شدن سمت دبیری، به این رویداد اضافه کردم. بااین‌حال هنوز برای به مرحله عمل رسیدن این ایده‌آل‌ها، نیازمند بررسی هستیم. ملودی، سازها و فرهنگ آیینی از مهم‌ترین عناصر موسیقی نواحی به‌شمار می‌روند؛ بااین‌حال، می‌توان با نگاهی نو به این حوزه، تغییراتی در ارکستراسیون و گروه‌نوازی ایجاد کرد، مشروط بر آن‌که هرگونه نوآوری و بهره‌گیری از عناصر روز، برآمده از جوهره موسیقی نواحی باشد. همچنین، میزان اقتباس نسل جوان امروز از موسیقی نواحی باید از سوی پژوهشگران بررسی شود و در چارچوبی علمی به بحث گذاشته شود. این هم یکی دیگر از بخش‌های مغفول در جشنواره نواحی بود که به نظرم باید به این رویداد اضافه می‌شد.

ما امسال در هجدهمین دوره این جشنواره دیگر شاهد بخش رقابتی هم نیستیم. از دید شما این مسأله یک حسن است یا عیب؟

اتفاقا این هم از آن نکات مد نظر من برای برگزاری جشنواره موسیقی نواحی امسال بوده است، چراکه بشخصه اعتقادی به رقابت در موسیقی نواحی ندارم. تمام هنرمندان این عرصه در مقام مرجعیت و استادی هستند و ما حق نداریم با قرار دادن بخش رقابتی، بین این مراجع مقایسه قائل شویم. تاکید دیگرم در جشنواره امسال، پیاده‌سازی مدل‌های تازه جشنواره‌های دنیا مثل رژه هنرمندان در شهر، اجراهای شبانه، الحاق بخش‌هایی مثل نمایشگاه‌های خوراک، صنایع دستی، عکس، فیلم و ... به این جشنواره و بردن آن به سمت یک ظرفیت گردشگری موسیقایی بوده است. از این جهت، امسال چنین حرکت‌هایی را جدی گرفته و در بخش گردشگری قدم‌های خوبی برداشته‌ایم. هرچند بر این باورم، نقطه هدف ما برای به بار نشستن این طرح و برنامه‌ها، سال آینده است نه امسال. به‌خصوص بعد از انتشار و اجرای برنامه‌های مختلف در جشنواره امسال، دستاورد آن در دوره‌های آتی مشخص خواهد شد.

همیشه معتقد بوده‌ام که جای تاسیس یک مرکز موسیقی ملی خالی است. حتی در این زمینه پیشنهادهایی هم ارائه کرده‌ام؛ ازجمله راه‌اندازی مکانی که بتواند بستری مناسب حمایت از هنرمندان موسیقی نواحی و به‌طور کلی همه موزیسین‌ها باشد



تداوم برگزاری یک جشنواره تا چه اندازه می‌تواند معیار موفقیت آن باشد؟ برای مثال، جشنواره‌های موسیقی فجر، موسیقی نواحی و موسیقی جوان، همگی اکنون بیش از ده دوره را پشت سر گذاشته‌اند.

مشخصا درباره جشنواره موسیقی نواحی باید بگویم که این رویداد می‌بایست در دوره‌های ششم و هفتم به یک برند تبدیل می‌شد، اما چنین اتفاقی نیفتاد. درواقع تصویر ذهنی مردم نسبت به این رویداد چندان که باید شکل نگرفته و چه‌بسا، ذهنیت گنگ و مبهمی نسبت به ماهیت این جشنواره داشته باشند. درحالی‌که برندسازی جشنواره می‌توانست کمک کند تا شور و اشتیاقی برای دیدن آن در بطن جامعه صورت بگیرد، درست مثل برخی جشنواره‌های جهانی مثل سمرقند، مراکش و ... که از مدت‌ها پیش از افتتاح، گردشگران و گروه‌های موسیقی متعددی از سراسر جهان مشتاق برگزاری این رویدادها هستند. دلیل این‌که درباره جشنواره‌ای مثل موسیقی نواحی و امثال آن چنین اتفاقی نمی‌افتد همان است که در ابتدای گفت‌وگو اشاره کردم.

دولتی بودن جشنواره‌ها؟

بله، به‌خصوص این‌که گاه دیده می‌شود هدف مدیران دولتی از برگزاری یک جشنواره، تنها ارائه آن به شکل روتین سالانه است، درحالی‌که همیشه بعد از اتمام جشنواره، کار دبیرخانه‌ها شروع می‌شود و درصدد تثبیت برند آن برمی‌آیند. برای نمونه، می‌توانم به فستیوال «کوچه» اشاره کنم که با وجود سابقه کوتاه برگزاری، توانست به یک برند تبدیل شود.

هرچند برگزاری این فستیوال هم در یکی دو سال اخیر بدون فرازونشیب نبوده است.

بله، ولی بااین حال موفق شد برند خود را بسازد. درعین حال، همان‌طور که در سؤال اشاره کردید، بروز نگاه‌های دولتی و سلبی موجب شد تا در دوره‌هایی این فستیوال برگزار نشود، وگرنه تداوم آن می‌توانست برای ما یک فرصت ناب گردشگری رقم بزند، پس در پاسخ به سؤال پیشین شما باید بگویم جا دارد به برندسازی جشنواره‌ها توجه شود که عملا این مسأله صورت نمی‌گیرد. حتی درباره جشنواره صاحب‌نام و معتبر موسیقی فجر این مسأله در منطقه هم صورت نگرفته است. طبعا چرایی این مسائل باید مورد آسیب‌شناسی قرار بگیرد و دولت با بازنگری به طراحی مدل‌های جدیدی برخلاف مدل‌های قبلی بپردازد.

ما در طول سال تقریبا زمانی نیست که با خبر درگذشت نوازندگان پیشکسوت مناطق مختلف کشورمان روبه‌رو نشویم، اغلب این هنرمندان در حالی از دنیا می‌روند که به‌رغم نوازندگی استادانه، در عین گمنامی و بی‌توجهی به خاک سپرده می‌شوند. در این ارتباط جشنواره‌ای مثل موسیقی نواحی چقدر می‌تواند کمک‌حال این هنرمندان باشد قبل از این‌که دیر شود؟

من همیشه معتقد بوده‌ام که جای تاسیس یک مرکز موسیقی ملی خالی است. حتی در این زمینه پیشنهادهایی هم ارائه کرده‌ام؛ ازجمله راه‌اندازی مکانی که بتواند بستری مناسب برای حمایت از هنرمندان موسیقی نواحی و به‌طور کلی همه موزیسین‌ها باشد و محور اصلی فعالیت آن، تأمین رفاه، خدمات درمانی و معیشت هنرمندان قرار گیرد.

اگرچه موزیسین‌های محلی در این میان آسیب‌پذیرترند، اما معتقدم عزت‌نفس و کرامت این هنرمندان ایجاب می‌کند که به‌جای کمک‌های صدقه‌گونه، امکانات لازم برای اجرا در اختیارشان قرار گیرد تا بتوانند از این طریق کسب درآمد کنند.

شما در یکی از سؤال‌های‌تان اشاره کردید که من مدتی از سمت‌های مدیریتی دور شدم. در این مدت من در رشته گردشگری تحصیل کردم و به پژوهش بر روی مدل‌های درآمدی برای موزیسین‌ها پرداختم که یک مورد آن در سلخ قشم بود. تصور می‌کنم اگر این مسأله در ایران محقق شود، موزیسین‌های کشور ما هم مثل دیگر کشورهای دنیا می‌توانند از این مسأله منتفع شوند. یا همین‌طور، برگزاری فستیوال‌ها که می‌تواند منبع درآمد مناسبی برای هنرمندان باشد. گاهی هم حضور هنرمند در فستیوال‌ها الزاما درآمدزا نیست، همین که مورد توجه و دیده‌شدن قرار بگیرد او را راضی می‌کند. در نتیجه، ما باید موسیقی محلی را مثل صنایع دستی به بطن گردشگری ببریم و این راهی است که به نظرم شدنی است. در بسیاری از کشورهای دیگر، شهرداری‌ها متولی چنین اموری هستند؛ اما در ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در این زمینه مسئولیت دارند. اگرچه دو دستگاه جداگانه‌اند ولی در مواقعی به همپوشانی دراین‌باره هم می‌پردازند. بااین حال، هنوز نتوانسته‌اند این مقوله را به یک مدل مشترک تبدیل کنند و موسیقی هم بخشی از گردشگری باشد و خود دولت باید به این مسأله فکر کند.

در شرایط فعلی برچسب بین‌المللی‌شدن برای جشنواره‌هایی مثل موسیقی نواحی چقدر محلی از اعراب دارد و یک عنوان عملی است تا تزیینی؟

خود من هنوز برای جشنواره موسیقی نواحی از عنوان بین‌المللی استفاده نمی‌کنم. علی‌رغم این‌که امسال از بعضی گروه‌های کشورهای فارسی‌زبان دعوت کرده‌ایم تا در جشنواره حضور داشته باشند، ولی به نظرم هنوز تا بین‌المللی‌شدن جشنواره راه درازی در پیش است.

یادداشت

ماموستا عابد نقیبی | پژوهشگر تاریخ ادیان و مذاهب اسلامی

حضرت فاطمه زهرا(س) در منابع اهل سنت؛
پاره تن پیامبر(ص) و مایه پیوند امت اسلامی

بانویی فراتر از مرزهای مذهبی

حضرت فاطمه زهرا(س)، دختر گرامی پیامبر اکرم(ص)، از برجسته‌ترین شخصیت‌های تاریخ اسلام است؛ بانویی که نامش با ایمان، پاکدامنی، کرامت و محبت پیامبر پیوند خورده است. جایگاه آن حضرت تنها به یک مذهب اسلامی محدود نیست؛ بلکه فضایل ایشان در منابع معتبر اهل سنت نیز بازتابی روشن دارد.

بررسی آثار حدیثی اهل سنت، به‌ویژه صحیح بخاری و صحیح مسلم، نشان می‌دهد که حضرت فاطمه(س) از منزلتی ممتاز نزد پیامبر(ص) برخوردار بوده است. شناخت این فضایل، افزون بر آشنایی با تاریخ اسلام، فرصتی برای تقویت همدلی میان مسلمانان و پاسداشت حرمت خاندان پیامبر فراهم می‌کند.

فاطمه(س)؛ پاره تن رسول خدا

یکی از روشن‌ترین احادیث درباره جایگاه حضرت فاطمه(س)، سخن پیامبر اکرم(س) است: فاطمه بضعه منی، فمن اغضبها اغضبنی «فاطمه پاره‌ای از وجود من است؛ هرکس او را به خشم آورد، مرا به خشم آورده است.»

این روایت در صحیح بخاری و صحیح مسلم نقل شده است.(۱)

تعبیر «پاره تن پیامبر(ص)» بیانگر پیوند عمیق عاطفی و جایگاه ویژه حضرت فاطمه(س) نزد رسول خداست. پیامبر(ص) با این سخن، حرمت دختر خود را به حرمت خویش پیوند می‌دهد و اهمیت پرهیز از آزردن و بی‌احترامی به او را یادآور می‌شود.

این حدیث همچنین پیامی اخلاقی برای جامعه اسلامی دارد: محبت به خاندان پیامبر(ص) نباید تنها در سخن و ادعا خلاصه شود؛ بلکه باید در رفتار، گفتار و رعایت حرمت آنان نیز آشکار باشد.

سرور زنان بهشت

از دیگر فضایل حضرت فاطمه زهرا(س)، جایگاه ممتاز ایشان در میان زنان برگزیده اسلام است. در صحیح بخاری، روایاتی درباره فضیلت و منزلت آن حضرت نقل شده است که ازجمله آنها، روایت مشهور مربوط به سروری ایشان در میان زنان اهل بهشت است.(۲)

این منزلت، نشان‌دهنده جایگاه معنوی والای حضرت فاطمه(س) در سنت اسلامی است. در منابع دینی درباره فضایل حضرت مریم، حضرت آسیه، حضرت خدیجه و حضرت فاطمه نیز روایات و مباحث علمی متعددی وجود دارد؛ اما این مباحث نباید بهانه‌ای برای نادیده‌گرفتن مقام هیچ‌یک از این بانوان بزرگوار شود.

آنچه در این بحث اهمیت دارد، پذیرش جایگاه ممتاز حضرت فاطمه(س) و بهره‌گیری از سیره ایشان برای تقویت ایمان، اخلاق و مسئولیت‌پذیری در زندگی فردی و اجتماعی است.

حضرت فاطمه(س) و جایگاه اهل بیت پیامبر(ص)

از شواهد مهم منزلت حضرت فاطمه(س) در منابع اهل سنت، روایت کساء است.

براساس این روایت، پیامبر اکرم(ص)، حسن، حسین، فاطمه و علی رضی‌الله‌عنهم را زیر عبای خود گرد آورد و آیه تطهیر را تلاوت کرد: انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم تطهیرا: «خداوند می‌خواهد پلیدی را از شما خاندان [پیامبر] دور کند و شما را چنان‌که شایسته است، پاک و پاکیزه گرداند.»

این آیه در سوره احزاب، آیه ۳۳، آمده است و روایت یادشده در صحیح مسلم، حدیث ۲۴۲۴، ثبت شده است.(۳)

این گزارش، حضور و جایگاه حضرت فاطمه(س) را در میان خاندان پیامبر(ص) به‌روشنی نشان می‌دهد. هرچند عالمان اسلامی درباره گستره مفهوم اهل‌بیت و برخی جنبه‌های تفسیری آیه بحث‌هایی دارند، اصل این روایت از شواهد مهم منزلت آن حضرت در منابع معتبر اهل سنت است.

الگویی برای اخلاق و زندگی

شخصیت حضرت فاطمه(س) را نمی‌توان تنها در نسبت خانوادگی ایشان با پیامبر(ص) خلاصه کرد. زندگی آن حضرت از منظر اخلاقی و تربیتی نیز شایسته تأمل است. ایمان، ساده‌زیستی، صبر در دشواری‌ها، پایبندی به ارزش‌های دینی و نقش ایشان در خانواده پیامبر(ص)، از موضوعاتی است که در مطالعه سیره آن حضرت مورد توجه قرار می‌گیرد. در روزگاری که خانواده و جامعه با چالش‌های فرهنگی و اخلاقی متعددی روبه‌رو هستند، بازخوانی سیره حضرت فاطمه(س) می‌تواند زمینه‌ای برای توجه بیشتر به کرامت انسانی، مهربانی، مسئولیت‌پذیری و استواری اخلاقی فراهم کند.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

گزارش

وقتی رنج آدم‌ها به کالای مصرفی تبدیل می‌شود

«بُت» ساخته حمید نعمت‌الله، داستان زنی زنبوردار است که بی‌خوابی‌اش به فرصتی برای جلب توجه و منفعت‌طلبی اطرافیان تبدیل می‌شود



زهرا عباسی
جام جم آنلاین

حمید نعمت‌الله در هفتمین فیلم سینمایی خود، پس از «قاتل ووحشی»، بار دیگر سراغ شخصیتی می‌رود که در موقعیتی نابرابر با محیط اطرافش قرار گرفته است؛ «بُت» با محوریت لیلا، زنی زنبوردار که درگیر بی‌خوابی است، موقعیتی را شکل می‌دهد که در آن زندگی خصوصی یک فرد به‌تدریج در معرض نگاه دیگران قرار می‌گیرد. آنچه در ابتدا می‌تواند تلاشی برای معرفی محصول و حل یک مشکل شخصی به نظر برسد، به بستری برای شکل‌گیری مناسباتی پیچیده‌تر تبدیل می‌شود؛ مناسباتی که در آن، آدم‌ها لزوما برای کمک به لیلا وارد زندگی او نمی‌گردند. به گزارش جام جم آنلاین، اهمیت فیلم فقط در طرح مسأله سوءاستفاده از رنج دیگران نیست. بت می‌کوشد نشان دهد چگونه گرفتاری یک فرد می‌تواند برای اطرافیانش فرصت بسازد و چگونه ادعای مراقبت، دلسوزی یا همراهی ممکن است با منفعت‌طلبی درهم بیامیزد. با این‌حال فاصله میان ایده مرکزی فیلم و کیفیت پیشبرد داستان، یکی از مهم‌ترین نقاطی است که هنگام ارزیابی اثر باید به آن توجه کرد.

از فروش عسل تا نمایش بی‌خوابی

شروع داستان بر تقابلی روشن استوار است. لیلا برای فروش عسل و حفظ خانه پدری‌اش به برنامه‌ای زنده می‌رود اما توجه‌ها به‌جای محصول او، متوجه وضعیت جسمی‌اش می‌شود. این جابه‌جایی، نقطه عزیمت مناسبی برای فیلم است؛ فردی که با هدف حل مسأله‌ای مشخص وارد یک موقعیت عمومی شده، ناخواسته به موضوع اصلی نمایش تبدیل می‌شود. در اینجا، بی‌خوابی فقط یک مشکل جسمی نیست؛ وضعیتی است که امکان دیده‌شدن لیلا را فراهم می‌کند و هم‌زمان او را در معرض قضاوت و بهره‌برداری دیگران قرار می‌دهد. برنامه زنده به‌جای آن‌که صرفا فضایی برای معرفی محصول باشد، به نقطه اتصال زندگی شخصی لیلا با سازوکارهای جلب توجه تبدیل می‌شود. فیلم از این طریق به مسأله‌ای آشنا در رسانه و فضای عمومی نزدیک می‌شود. گاهی رنج یک انسان، نه به‌دلیل نیاز او به کمک، بلکه به‌سبب قابلیت تبدیل‌شدنش به موضوعی پربیننده اهمیت پیدا می‌کند. با این حال، بت در این زمینه صرفا به نقد رسانه محدود نمی‌ماند. مناسباتی که پیرامون لیلا شکل می‌گیرد، نشان می‌دهد بهره‌برداری از وضعیت او به یک برنامه پخش زنده یا یک فرد خاص منحصر نیست. کافه، شهرک توسعه تندرستی ایران و سایت شرط‌بندی، هرکدام به شکلی با وضعیت لیلا ارتباط پیدا می‌کنند و از آن منفعت می‌برند، در نتیجه مسأله از رفتار یک فرد فراتر می‌رود و به الگویی از مناسبات می‌رسد که در آن، گرفتاری دیگری می‌تواند به فرصتی برای پیشبرد هدف‌های شخصی تبدیل شود. نقطه قوت ایده در همین گسترش تدریجی دامنه بهره‌برداری است اما تعدد موقعیت‌ها به خودی خود به معنای انسجام روایی نیست. هر موقعیت فرعی باید در پیشبرد داستان، روشن‌کردن شخصیت‌ها یا تعمیق ایده اصلی نقش مشخصی داشته باشد. هرجا این پیوند به اندازه کافی شکل نگیرد، فیلم از یک موقعیت دراماتیک به موقعیتی دیگر می‌رود، بی‌آن‌که ضرورت این جابه‌جایی کاملا روشن شود.

انگیزه‌ای فراتر از منفعت اقتصادی

خانه پدری برای لیلا فقط یک دارایی نیست. پیوند او با این خانه، به خاطرات پدر و بخشی از هویت شخصی‌اش گره خورده است. به همین دلیل، اصرار او برای حفظ خانه را نمی‌توان صرفا با محاسبه اقتصادی توضیح داد. لیلا در موقعیتی قرار دارد که از یک‌سو برای تأمین نیازهایش به دیگران وابسته می‌شود و از سوی دیگر می‌خواهد چیزی را نگه دارد که برایش معنایی فراتر از ارزش مادی دارد.

این انگیزه، شخصیت لیلا را از یک قربانی صرف متمایز می‌کند. او هدفی دارد و برای رسیدن به آن تلاش می‌کند اما همین نیاز و وابستگی عاطفی می‌تواند او را در برابر کسانی آسیب‌پذیر کند که از اعتمادش بهره می‌برند. فیلم در این بخش به تعارضی قابل‌توجه می‌رسد؛ آنچه برای لیلا نشانه وفاداری به گذشته است، در مناسبات اطرافش ممکن است تنها مانعی در برابر منفعت‌طلبی دیگران تلقی شود. گفت‌وگوی لیلا و شاهرخ در ماشین درباره رفتن به کوه نیز به تفاوت نگاه آنها به گذشته اشاره دارد. این تفاوت در کنار مسأله خانه، نشان می‌دهد که خاطره برای همه شخصیت‌ها معنای یکسانی ندارد. با این‌حال رابطه لیلا و برادرش به زمینه‌سازی دقیق‌تری نیاز دارد تا فاصله میان اعتماد لیلا و رفتار شاهرخ، صرفا به کارکردی برای پیشبرد موقعیت داستانی تقلیل پیدا نکند. اهمیت این رابطه در آن است که سوءاستفاده همیشه از سوی فردی غریبه یا در قالبی آشکار و خشن رخ نمی‌دهد؛ گاهی نزدیکی خانوادگی و اعتماد پیشین، امکان عبور از مرزهای شخصی را فراهم می‌کند. فیلم در طرح این وضعیت ظرفیت دارد، هرچند برای تبدیل آن به رابطه‌ای کاملا باورپذیر، تنها تکیه بر موقعیت آسیب‌پذیر لیلا کافی نیست و انگیزه‌های طرف مقابل نیز باید به روشنی در رفتار و انتخاب‌هایش دیده شود؛ چراکه مثلا در مورد شاهرخ، ظواهر همه نشانه این است که او از نظر معیشت و مادیات در رفاه است.

تصویرزنی در محاصره

یکی از جنبه‌های قابل‌توجه بت، استفاده از فضای اتاق لیلا برای بازتاب وضعیت اوست. رنگ‌های روشن ومات اتاق، تختی که در ترکیب‌بندی فضا برجستگی دارد و قاب‌هایی که لیلا را از پشت نرده‌های تخت نشان می‌دهد، به محیط شکلی داده که در ظاهر آرام است اما احساس آسودگی را منتقل نمی‌کند.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

جام جم
فرهنگ
CULTURE
۵
سه‌شنبه ۵ آبان ۱۴۰۵ شماره ۷۴۵۳